[خطبه‌ی اول 2](#_Toc458537147)

[1. آموزش استعاذه به پروردگار در دو سوره‌ی آخر قرآن 3](#_Toc458537148)

[2. اهمیت زمان در قرآن کریم 3](#_Toc458537149)

[قسم‌های مربوط به زمان 4](#_Toc458537150)

[3. تفسیر کلمه‌ی فلق 6](#_Toc458537151)

[أ‌. فلق در لغت و اصطلاح. 6](#_Toc458537152)

[ب‌. معانی تفسیری کلمه‌ی فلق 7](#_Toc458537153)

[1) قول اول؛ به معنای صبحگاه و سپیده‌دم 7](#_Toc458537154)

[2) قول دوم؛ به معنای نور مطلق 7](#_Toc458537155)

[3) قول سوم؛ به معنای مطلق خلقت 8](#_Toc458537156)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc458537157)

[1. میلاد پیامبر اکرم و امام صادق8 10](#_Toc458537158)

[اهمیت وحدت میان مذاهب اسلامی 11](#_Toc458537159)

[2. فعالیت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی 11](#_Toc458537160)

[3. فرهنگ عمومی و رعایت قوانین 12](#_Toc458537161)

[**دعا** 13](#_Toc458537162)

خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## آموزش استعاذه به پروردگار در دو سوره‌ی آخر قرآن

بحث ما در سوره‌ی فلق بود. عرض کردیم، نکته‌ی اصلی دو سوره‌ی آخر قرآن کریم، آموزش استعاذه به خدا و پناه بردن به حضرت حق است. استعاذه‌ای که در همه‌ی احوال، به آن سفارش شده است و در بسیاری از دعاها و ذکرها جزئی از آن‌ها، استعاذه به خدا از شرور و بخصوص از شیطان است. حقیقت استعاذه در روح انسان مصداق دارد که روح و روان انسان باید به خدای بزرگ، از بدی‌ها پناه ببرد. فرق و تفاوت‌هایی که بین سوره‌ی ناس و فلق بود، در خطبه‌ی قبل توضیح دادیم و همین‌طور بحثی در شان نزول سوره‌ی فلق و سوره‌ی ناس که در مورد کسالتی که برای پیامبر اسلام6، حاصل شده بود، این دو سوره‌ نازل شد، عرض کردیم و سوال و جوابی داشت که در خطبه‌ی قبل مطرح شد.

## اهمیت زمان در قرآن کریم

من قبل از ورود به بحث، به این نکته اشاره می‌کنم که یکی از محورهای قسم‌های قرآن، قطعات زمانی است؛ یعنی این قدر زمان، از نگاه فلسفی، علمی و دینی اهمیت دارد که خدای بزرگ به قطعه‌هایی از زمان قسم خورده است؛ برای این‌که هم اصل زمان یک مقوله‌ی فلسفی بسیار مهمی است و هم این‌که زمان، بالاترین سرمایه برای بهره‌گیری و پیشرفت انسان است. هر کسی که بهتر بتواند از زمان استفاده کند، در کار خود موفق‌تر است. امروز در علم، یک بحث مهمی مطرح است به نام مدیریت زمان. این‌که انسان بتواند با نظم، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، بتواند بهتر از زمان که همان عمر انسان است، استفاده کند. عمر ما از سال تشکیل‌شده است. سال از ماه، ماه از هفته، هفته از شبانه‌روز، شبانه‌روز از شب و روز، هر یک از شب و روز از ساعات و دقایق و ثانیه‌ها و قطعات مختلف زمانی تشکیل‌شده‌ است. این قطعات زمان که پیوسته عبور می‌کند و لحظه‌ای نمی‌توان کاروان سریع و گذرای زمان را متوقف کرد. زمان و عمر، مثل کاروانی است که با شتاب هر چه بیشتر در حال گذر است. کسانی در این عرصه برد می‌کنند که بتوانند از عمر خود، از قطعه‌های زمانی و مراحل زمان،‌ استفاده کنند. این زمان، از مهم‌ترین سرمایه‌های کمال و رشد انسان است و به همین دلیل هم هست که در میان سوگند‌هایی که در قرآن آمده است.

#### قسم‌های مربوط به زمان

بخش عمده‌ و یک قسمت مهمی از قسم‌های خدا، قسم‌های زمانی است. گاهی قسم‌های قرآن مثلا به مکانی مانند مکه است (**وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمين**)[[4]](#footnote-4) گاه به موجودات است. یک قسمت از سوگندهای خدا، به زمان و قطعه‌هایی از زمان است. علتش هم این است که نعمت بزرگ و سرمایه‌ی گران‌بهایی است که انسان با آن می‌تواند مدارج کمال را طی کند. با این مقدمه، اگر ما به قرآن مراجعه کنیم می‌بینیم که در قرآن‌هم سنه و سال آمده و هم کلمه‌ی شهر به معنای ماه آمده و هم کلمه‌ی روز و شب آمده و منافعی که در روز شب هست، آمده است. از سوی دیگر، تعداد زیادی از سوگندها و قسم‌های خدا، به عصرهای زمانی است که من به هفت هشت مورد، اشاره می‌کنم

**قسم به روز**

گاهی خداوند به روز قسم خوده است. روز که وقت کار و تلاش است. قرآن می‌فرماید: (**هُوَ الَّذي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فيهِ وَ النَّهارَ مُبْصِرا**)[[5]](#footnote-5) روز را روشن و با نشاط قرار دادیم و آن را عرصه‌ای برای فعالیت و تلاش شما مقرر کردیم. روز یک نعمت بزرگ الهی است که چند جای قرآن به روز قسم خورده شده است؛ (**وَ النَّهارِ إِذا جَلاَّها**)[[6]](#footnote-6) و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: (**وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى**)[[7]](#footnote-7) ‏ خداوند به روزی که بر می‌آید یا خورشیدی که طلوع می‌کند و کره‌ی زمین را نورانی می‌کند و صحنه‌ی کار و تلاش را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، قسم می‌خورد. این‌یک قسم خداست که در چند جا به روز یا خورشیدی که روز آفرین است و روشنگر کره‌ی زمین است، خدا قسم می‌خورد برای این‌که نعمت بزرگی است. در سایه‌ی روشنی خورشید و نور روز است که انسان‌ها به تلاش می‌پردازند و زندگی مادی و معنوی خود را سامان می‌بخشند. پس ارزش دارد و خدا به روز قسم می‌خورد.

**قسم به شب**

در آیاتی که بیشتر هم هست خداوند به شب قسم می‌خورد. (**وَ اللَّيْلِ إِذا سَجى‏**)[[8]](#footnote-8) و (**وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَس‏**)[[9]](#footnote-9) و (**وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشى‏**)[[10]](#footnote-10) و چند مورد دیگر. در مورد روز دو سه جا قسم خورده شده ولی در مورد شب پنج شش جا سوگند به شب یاد می‌کند. برای این‌که (**وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنا‏**)[[11]](#footnote-11) شب هم مایه‌ی آرامش مادی و طبیعی انسان است و هم ظرفی برای اتصال به خداوند است و موعدی برای نماز شب و عبادات الهی در نیمه‌ی شب است بنابراین خدا هم به روز قسم خورده؛ به‌عنوان میدان فعالیت و تلاش و هم به شب قسم یاد کرده؛ به‌عنوان موضع آرامش و زمینه‌ای برای قرب به خدا.

**قسم به فجر، ظهر، عصر و شفق**

علاوه بر این‌که در قرآن به شب و روز قسم خورده شده است به‌عنوان دو بخش از عمر و حیات انسان که سرمایه‌ی کمال انسان است، به قطعه‌های خاصی از شب و روز هم قسم خورده است. مثلا به سپیده‌دم و فجر خداوند قسم خورده است (**وَ لَيالٍ عَشْر ‏**)[[12]](#footnote-12) لحظه‌ای در افق سپیده‌ای پدید می‌آید خداوند به آن قسم می‌خورد. به صبح که آغاز روز و طلوع خورشید است هم قسم یاد شده است (**وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّس‏‏**)[[13]](#footnote-13) به ظهر که وقت کمال روز و تابش کامل خورشید هست هم خدا قسم خورده است (**وَ اللَّيْلِ إِذا سَجى‏‏‏**)[[14]](#footnote-14) یا(**وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها ‏‏**)[[15]](#footnote-15) پس علاوه بر این‌که بر روز و شب خداوند سوگند یاد کرده است. از آغاز حرکت که فجر باشد بعد صبح که اول روز است هم قسم خورده است. به کمال و نیمه‌ی روز هم قسم خورده است. به سمت عصر هم قسم می‌خورد(**وَ الْعَصْر ‏‏**)[[16]](#footnote-16) به شب هم که برسید باز خداوند هم به کل شب قسم خورده شده و هم به شفق که ساعتی بعد از غروب خورشید هست، باز قسم خورده شده (**فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَق‏ ‏‏**)[[17]](#footnote-17)

**علت قسم‌های الهی به زمان**

من بحث قسم‌های قرآن را بعداً مفصل بحث خواهیم کرد. چیزی که الآن اینجا می‌خواهم عرض کنم این است که اصولاً زمان یک امر بسیار مهم و سرمایه‌ی رشد و کمال انسان است. به همین دلیل، قرآن به زمان توجه خاصی می‌کند تا ما را به ارزش عمر و سرمایه‌ی حرکت و کمال، متوجه کند. به همین دلیل هم فوائد روز و شب در قرآن کریم مکرر ذکر شده و هم یادآوری شده است که روز و شب یک نعمت بزرگ الهی است و هم قرآن، به روز و شب در هشت یا نه قالب قسم خورده است؛ یعنی به شب و روز کامل، به طلوع فجر، به صبحگاهان، به ظهر، به عصر، به غروب و هنگام شفق و همین‌طور قطعه‌های مختلفی از شب و روز که ارزش ویژه دارد، موردتوجه قرآن قرارگرفته است. علاوه بر این‌که همین گردش زمان و قطعات زمان، مبنای فرایض و تعیین وقت نمازها هم قرارگرفته است. همه‌ی این‌ها نشان از اهمیت عمر هست که از این قطعات زمانی تشکیل‌شده است. قسم خورده شده، منافع آن بیان‌شده است به‌عنوان یک نعمت یادآوری شده است. همه‌ی این‌ها برای این است که ارزش این امر را بدانیم و به فکر این باشیم که از زمان به‌درستی بهره ببریم و مدیریت درست، برای استفاده‌ی از زمان داشته باشیم. هر چه انسان‌ها هوشیارتر و عاقل‌تر باشند، بهره‌گیری آن‌ها از زمان کامل‌تر است. این نشانه‌ی شخصیت کامل است. هر چه فرد نظم و برنامه‌ی بهتری طراحی کند، که از این قطعه‌های زمانی به‌درستی برای کمال و سعادت خود بهره بگیرد، موفق‌تر است و در زندگی مادی و معنوی، پیشرفت بیشتری خواهد داشت. در جای‌جای قرآن به امر زمان و قطعه‌های مختلف شبانه‌روز توجه شده است تا جایی که خدا به این‌ها قسم می‌خورد به‌عنوان مظاهر نعمت خدا و سرمایه‌های کمال و رشد انسانی.

## تفسیر کلمه‌ی فلق

بعدازاین مقدمه، بحث ما در آیه‌ی اول این سوره، (**قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ الْفَلَق**)[[18]](#footnote-18) ‏راجع به استعاذه و ربوبیت خدا بحث کردیم؛ اما بحث ما راجع به کلمه‌ی فلق است.

### فلق در لغت و اصطلاح

خداوند به پیامبر گرامی6 می‌فرماید: که بگو به پروردگار فلق، پناه می‌برم. در مورد واژه‌‌ی فلق که در اول سوره آمده، ‌توضیح بیشتری خواهیم داد. فلق در لغت به معنای شکافتن و جدا ساختن است. این معنای فلق هست. وقتی که دانه‌ای می‌شکافد و گیاه بیرون می‌آید، فلق گفته می‌شود. این‌که هسته‌ای شکافته می‌شود و جوانه می‌زند و دانه‌ای می‌شکافد، این شکافته شدن را فلق می‌گویند یا فَلق به سکون لام. این معنای لغوی فلق و فلق هست. قرآن‌هم می‌فرماید:(**إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى**)[[19]](#footnote-19) خداوند دانه و هسته را می‌شکافد و از دل این دانه و هسته، گیاه و درختان می‌روید. این را فلق می‌گویند. آن موقعی که دانه‌ یا هسته‌ای شکاف می‌خورد و از دل آن گیاه یا درختی می‌روید، این حالت فلق هست.

### معانی تفسیری کلمه‌ی فلق

در این‌که منظور از فلق در اینجا چیست، چهار قول بین مفسرین وجود دارد. این‌که خدای بزرگ به پیامبر گرامی اسلام6 می‌فرماید: بگو پناه می‌برم به خدای فلق. پروردگار فلق. در معنای فلق، چهار قول در میان مفسرین وجود دارد.

#### قول اول؛ به معنای صبحگاه و سپیده‌دم

قول اول این است که فلق به معنای صبحگاه و سپیده‌ی طلوع خورشید یا سپیده‌دم است. این‌یک قول هست که آن هفته‌ هم اشاره‌ای به این داشتم که در قرآن کریم، برای زمان و وقت‌های شبانه‌روز، اهمیت خاصی داده‌شده است. اولین معنای فلق در سوره‌ی فلق که می‌فرماید: (**قُلْ أَعُوذُ بِرَبّ‏ الْفَلَق**)[[20]](#footnote-20) این است که فلق یکی از اجزاء شبانه‌روز باشد. فلق یعنی سپیده‌دم و صبحگاهان؛ نه فجر که افق روشن می‌شود. بلکه هنگامی‌که خورشید سر می‌زند و روز روشن آغاز می‌شود. این معنای اول فلق است. علت این هم همان‌طور که گفتیم یعنی شکافتن و جداسازی است و با فلق روز از شب جدا می‌شود. ازاین‌جهت است که آن لحظه را فلق می‌گویند. سپیده‌دم فلق نامیده می‌شود. خداوند برای این‌که ارزش زمان و توجه ما را به زمان و به‌خصوص آغاز روز جلب کند، می‌فرماید: بگو به خدای سپیده‌دم و صبحگاهان پناه می‌برم. خدایی که نور امید را در سپیده‌دم در دل‌ها برمی‌افروزد و انسان‌ها را به سمت تلاش و فعالیت سوق می‌دهد. من به این خدا پناه می‌برم. خدا، خدای همه‌ی جهان است؛ اما از میآن‌همه‌ی این جلوه‌های خداوند، در سوره‌ی فلق بنا بر احتمال اول، سپیده‌دم برگزیده‌شده است و می‌فرماید: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم و صبحگاهان. این معنای اول است که به دلیل اهمیت قطعه‌های زمان، خدا اینجا می‌فرماید به (**بِرَبّ‏ الْفَلَق**) خدای صبحگاهان. این معنای اول.

#### قول دوم؛ به معنای نور مطلق

معنای دوم در مفهوم فلق، این است که منظور مطلق نور است نه نور صبحگاهان. علت آن‌هم این است که نور به‌طورکلی چیزی است که می‌آید و از تاریکی خود را جدا می‌کند. هر جا که نور باشد، باعث جدایی انسان‌ها از تاریکی و ظلمت می‌شود. ازاین‌جهت است که احتمال داده‌شده که فلق فقط سپیده‌دم نباشد؛ بلکه مطلق نور است. آن‌وقت معنای آیه این می‌شود که بگو پناه می‌برم به خداوند نور و روشنایی. همه‌ی عالم، در پرتو نور و روشنایی است که ظهور پیدا می‌کند و با نور و روشنایی است که انسان به کمال می‌رسد. خداوند می‌فرماید: پناه ببر به خدایی که پروردگار نور است و نور را آفریده و با نور انسان‌ها را به جلو می‌برد. البته این نور هم می‌تواند نور مادی باشد و هم نور معنوی. این معنای دوم رساتر از معنای اول است. در معنای اول، فلق به معنای سپیده‌دم است اما در معنای دوم، فلق به معنای هر نوع و هرگونه نوری است که مایه‌ی روشنایی و بینایی و پیشرفت و کمال است. این عام‌تر از معنای اول است. بگو پناه می‌برم به خدای نور و روشنایی.

#### قول سوم؛ به معنای مطلق خلقت

معنای سوم این است که فلق را به معنای مطلق خلقت به کار ببریم. برای این‌که آفرینش، در عالم با جداسازی و با شکافتن موجودات، پدید می‌آید. کل تئوری‌های علمی دنیا و منابع دینی هم این را می‌گویند که پیدایش کرات و آسمان‌ها در اثر این بود که یک ماده‌ی متراکمی وجود داشت که در اثر انفجار و شکافی که در آن پیدا شد، کرات و کهکشان‌ها به وجود آمده است. در علم روز هم به این اشاره‌شده است. در نهج‌البلاغه و منابع دینی نیز به این اشاره‌شده است که این جهان یکی از مراحل خلقت این جهان، وقتی بود که به‌صورت یک توده‌ی انباشته و انرژی متراکمی بود که با یک انفجار بزرگ، ستاره‌ها و کهکشان‌ها و کرات پیدا شد. همین الآن هم در کهکشان‌های دوردست ما توده‌های انباشته، سیاه‌چال‌های بزرگ، منفجر می‌شوند که آن انفجار موجب پیدایش کرات دیگر می‌شود. در قیامت هم یک انفجاری رخ می‌دهد که به حالت قبل برمی‌گردد. این هم تئوری است که آیات نیز این را تأیید می‌کند. انفجارهای بزرگ، باعث پیدایش کرات و موجودات شده است و هر انفجاری یک نوع شکاف است. شکافتن در درون است. غالب مظاهر آفرینش خداوند و خلقت جهان، به یک انفجار و یک شکافتن بزرگ برمی‌گردد. خلقت آسمان‌ها و زمین همین‌طور بوده است.خلقت اصل موجودات نیز همین است که از عدم جدا شدند. خلقت گیاهان و درختان باز از شکافته شدن از دانه‌هاست که در سوره‌ی انعام آمده است که :(**إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى**)[[21]](#footnote-21) خدا دانه و هسته را می‌شکافد و از دل آن گیاه و درخت می‌رویاند( **يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُون**)[[22]](#footnote-22) این خداست که با این شکافتن دانه‌ها و ذرات،‌ این عالم خلقت گیاهان و درختان را می‌رویاند و با شکافت ماده، ما به انرژی‌های مختلفی دست پیدا می‌کنیم و با یک انفجار بزرگ این عالم بزرگ ایجاد شده است. پس به هر خلقتی که نگاه می‌کنیم، به یک انفجار و شکافتی که به قدرت خداوند پیدا شده است. در ادامه‌ی سوره‌ی انعام می‌فرماید:( **فالِقُ الْإِصْباحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْبانا**)[[23]](#footnote-23) آیات زیبا و ظریفی است. خدایی که صبح را شکافت، با شکافت خود، سپیده‌دم آمد و شب را مایه‌ی آرامش شما و ماه و خورشید را بر یک مدار منظمی به گردش در آورد. این مظاهر خلقت بزرگ الهی است. با توجه به این نظر، به‌طورکلی چون همه‌ی مظاهر خلقت به انفجار و شکافتن برمی‌گردد، یک نوع قانون شکافته شدن و جداسازی، پایه و سرمایه‌ی خلقت، آفرینش است، معنای سوم این است که فلق یعنی خلقت آمده است؛ چون همه‌ی مظاهر خلقت، به‌نوعی انفجار و شکافتن در عالم و ماده‌ها و موجودات برمی‌گردد. این معنا عام‌تر از دیگری می‌َشود. فلق ، به معنای اول یعنی صبحگاهان و خدای سپیده‌دم. به معنای دوم یعنی خدای نور و روشنایی و به معنای سوم، خلقت و آفرینش است. آن‌وقت این‌ها از خاص به عام می‌آیند. بگوی به خدای صبحگاهان و سپیده‌دم پناه می‌برم؛ بنا بر احتمال اول. بگو به خدای نور و روشنایی پناه می‌برم؛ بنا بر احتمال دوم و بگو به خدای آفرینش و همه‌ی خلقت؛ بنا بر معنای سوم که این معنای سوم با آیه‌ی دوم خیلی بهتر می‌سازد. به خاطر این‌که آیه‌ی دوم به پیامبر خطاب می‌کند که بگو به خدا پناه می‌برم به خدایی که خدا آن را خلق کرده است. پس مناسب است که این طور گفته شود: بگو پناه می‌برم به خدای خلقت و آفرینش از شروری که در این آفرینش هست. به خدایی که همه‌ی مظاهر عالم را بر پا کرد و جهان شگفت و عظیمی را بر پا نهاد پناه می‌برم، از بدی‌هایی که در همین نظام آفرینش هست. این شرور هم برای کمال انسان لطف خداست که در دلی این وسوسه‌ها، زمینه‌ای برای آزمایش انسان‌هاست تا به کمال برسند. پس فلق به معنای سپیده‌دم معنای اول؛ به معنای روشنایی و نور معنای دوم و معنای آفرینش و خلقت معنای سوم است.

**فلق به معنای چاه هولناک جهنم**

یک معنا هم در ظاهر کلمه نیست ولی از روایات استفاده می‌شود. فلق یک چاه هولناکی از عذاب الهی است که در جهنم است که وقتی که دود و عذاب از آن بلند می‌شود، اهل جهنم فریاد می‌کشند. یعنی یک عذاب بسیار تکان‌دهنده و سوزناکی است که در برابر آن بقیه‌ی عذاب‌های جهنم کم می‌شود و گاهی که شعله‌های آن زبانه می‌کشد. این معنایی است که غیر از معانی قبلی است. ظاهر آیه این سه معنای ذکر شده است؛ اما این معنای آخر هم یکی از معانی تأویلی قرآن است که در روایات به آن اشاره‌شده است. این معانی است که برای آیه‌ی اول این سوره آمده است. بگو پیامبر به خدای صبحگاهان، به خدای نور و روشنایی، به خدای آفرینش پناه می‌برم. این آیه‌ی اول است. من شر ما خلق. از شر چیزی که خدا آفریده است که در خطبه‌ی آینده، این آیه را توضیح خواهیم داد. این دستور بسیار مهمی است که به پیامبر داده‌شده است که ما هم باید تلاش کنیم تا روح ما هم روح استعاذه‌ی به خدا و کمک خواستن از خدا، تربیت کنیم. ان‌شاءالله به همه‌ی ما توفیق فهم معارف قرآن و عمل به تعالیم بلند قرآن، عنایت بفرماید.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[24]](#footnote-24)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[25]](#footnote-25) عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**. امیرالمومنین7 در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: بندگان خدا به سمت منزلگاه‌هایی که مأمور شده‌اید آنجا را آباد کنید. شتاب کنید برای آباد کردن منزل پایانی که باید همه آن را آباد کنیم. آبادی قبر و برزخ و قیامت، به دست ما در همین روزهاست. همه‌ی ما مأمور شده‌ایم با تلاش و کوشش اخلاقی، با مجاهده‌ی مال و اندیشه و فکر خود که برزخ و قیامت خود را آباد کنیم. برای آباد ساختن منزلگاه ابدی و جاویدان خود بشتابید. خداوند شما را به آنجا فراخوانده است و به آبادی آنجا مأمور کرده است. پس چرا نشسته‌اید و برای آبادانی آنجا شتاب نمی‌گیرید؟ نعمت‌های خدا را با صبر بر اطاعت او پاس بدارید. خداوند به شما نعمت‌های فراوانی ارزانی داشته است. شما را در نعم خود، غوطه‌ور ساخت. شکر این ‌نعمت‌ها به این است که در مسیر اطاعت خدا هزینه شود و در راه اطاعت خدا، صبر و بردباری داشته باشیم. نعمت خدا را با بردباری بر اطاعت او، تکمیل کنید و با دوری از گناهان و معاصی. هوشیار و بینا باشید که فردای قیامت به بسیار نزدیک است. بر خلاف تصور خام شما که آن روز را دور می‌پندارید، بر شما روشن خواهد شد که آن روز، بسیار نزدیک است. وقتی که خورشید قیامت و خورشید عالم ملکوت تابید، آنگاه روشن می‌شود که عمرهای اندک ما و عمر اندک این عالم در برابر جهان ابدی، ناچیز و غیر قابل ذکر است و ان غدا من الیوم غریب. چقدر ساعت‌ها در روزها شتابان می‌گذرد. چطور روزها در میدان یک ماه می‌گذرد و چطور ماه‌ها در میدان یک سال و چطور سال‌ها در یک عمر شتابان سپری می‌شوند. کاروان پرشتاب ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها و سال‌ها را تماشا کنید و در این شتاب، سعی کنید شما هم برای بهره‌گیری از این نعمت‌ها در مسیر اطاعت خداوند و دوری از معصیت، شتاب بگیرید. امیدواریم خداوند به همه‌ی ما توفیق بهره‌گیری از پیام‌های الهی عنایت بفرماید.

## میلاد پیامبر اکرم و امام صادق8

در ماه ربیع‌الاول هستیم و در آستانه‌ی میلاد خجسته‌ی پیامبر گرامی اسلام و حضرت امام جعفر صادق8 قرار داریم. این مناسبت و مناسبت‌ها را به حضور شما تبریک عرض می‌کنم. دو مناسبتی که برای بشریت و ما، هردوی آن‌ها بسیار مهم است. هم تولد نور خدا و مظهر اسماء و صفات الهی و برترین موجودات عالم و هستی و آن حقیقت ناب الهی، حضرت محمدبن‌عبد الله6 امر بسیار مهمی است و هیچ حادثه‌ای در جهان، مهم‌تر از میلاد و مبعث پیامبر گرامی اسلام نیست؛ نه برای ما بلکه برای پیشینیان بر پیامبر. از عجائب عالم این است که همه‌ی پیامبران پیشین هم شاگردان مکتب پیامبر گرامی اسلام6 هستند. خود ایشان فرمودند: ما و اهل بیت: ما آفریده شدیم آن‌وقتی که آسمان و زمینی نبود؛ آن‌وقتی که جهانی بر پا نشده بود. ما به عرض خدا چسبیده بودیم، آنگاه که جهان و هستی هنوز آفریده نشده بود. آن‌وقت هم که آدم آفریده شد، آدم شاگرد مکتب پیامبر بود. پیامبران و سلسله‌ی انبیاء شاگردان مکتب پیامبر هستند. میلاد و مبعث ایشان و هر چه به این نور شریف الهی، به این موجود عزیز ربانی تعلق داشته باشد، ارزشمند است. میلاد او بسیار خجسته و مبارک برای جهان و عالم خلقت است.

میلاد امام صادق7 همین‌طور است؛ به‌عنوان کسی که نه فقط به تشیع و اهل بیت: بلکه به شکوفایی و عظمت نقطه‌ی مهم تاریخی، به‌خصوص برای شیعیان بسیار مهم است. البته امام صادق7 به لحاظ علم و اخلاق و عظمت روحی و شخصیت، اختصاص به ما ندارد. موجود شریفی است که همه‌ی مذاهب اسلامی از ایشان بهره گرفتند. بسیاری از سران و ائمه‌ی مذاهب، شاگردان با واسطه یا بی‌واسطه‌ی امام صادق7 بودند و این را خودشان گفتند. شخصیت متعالی امام صادق7 و علم وافر امام صادق و امام باقر8 و فضایی که در آن زمان پیدا شد، مایه‌ی این شد که برکات معنوی و علمی و دانش آن‌ها، بر امت اسلامی فرو بریزید. هر دو میلاد بر همه‌ی امت اسلامی و بخصوص بر ملت ما و بر شما عزیزان مبارک باشد و طبعاً وظیفه‌ی ماست که این مواعید را گرامی بداریم و جشن‌های درستی بر پا کنیم. جشن‌هایی که از آفت‌ها و امور غیر مشروع، مبرا باشد و زمینه‌ای برای شادی واقعی، در میلاد این انوار طیبه باشد و فرصتی برای آشنایی بیشتر با این انوار پاک الهی باشد.

### اهمیت وحدت میان مذاهب اسلامی

در میلاد مبارک نبی‌ اکرم اسلام6 بین شیعه و اهل سنت اختلاف هست که 17 ربیع‌الاول قول مشهور شیعه است. این فاصله‌ی یک‌هفته‌ای را به‌عنوان هفته‌ی وحدت گرامی می‌داریم. ضمن این‌که از مقام پیامبر اسلام تجلیل می‌کنیم، امت اسلامی و شیعه و سنی که در مورد پیامبر مشترک هستند، در این هفته تلاش کنند برای وحدت و انسجام بیشتر. در کشورهای دیگر هم این امر توجه شده است. در عراق به‌عنوان هفته‌ی برادری فاصله‌ی بین قول شیعه و سنی اعلام‌شده است. امروز ما نیاز به این برادری و تفاهم امت اسلامی برای اهداف مشترک داریم. ما شاهد هستیم که در دنیا چه تلاش‌هایی می‌کنند تا امت اسلام را از هم دور کنند. ما که پیرو مکتب اهل بیت هستیم و درصدد ترویج و پیشبرد آرمان‌های اهل بیت در دنیا هستیم، اما از خود آن‌ها آموخته‌ایم که وحدت و برادری با اهل سنت وظیفه‌ی ماست. حضور در نمازهای آن‌ها، ثواب‌ها دارد. ما در مکه و مدینه باید، وحدت و برادری را به نمایش بگذاریم. در کشور ما اتحاد و برادری بین اقوام باید مبنا باشد. از راهبردهای دشمنان اسلام، برافروختن کینه‌ها و عداوت‌های قومی مذهبی است. می‌بینم که در لبنان، افغانستان و کشورهای اطراف ما شیعیان را از اهل سنت می‌ترسانند و اهل سنت را از شیعیان می‌ترسانند برای این‌که ما و اقوام مذاهب را به جان ‌هم می‌اندازند تا افکار خود را پی بگیرند. همین فتنه‌گری که در جنوب کشور ما انجام شد با عنوان فارس و عرب، با عنوان کرد و فارس، با عنوان شیعه و سنی در جاهای مختلف کشور، برنامه‌ریزی کردند تا در میان ما آتش تفرقه و نفاق برافکنند. ملت ما باید بیدار باشد و در پرتو میلاد پیامبر، ان‌شاءالله وحدت و انسجام خود را در برابر دشمنان اسلام حفظ کنیم.

## فعالیت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

اشاره‌ی کوتاهی هم داشته باشم به فعالیت‌هایی که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی داشت که گزارشی دادند که باید همین جا به خاطر فعالیت‌های این عزیزان، تشکر کنم. ریز فعالیت‌ها و تلاش‌ها در اینجا ذکر شده است که باید از خدماتی که انجام دادند تشکر کرد هم باید تشکر کنم از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که طرح مسکن هادی را در روستاها پی می‌گیرند و مسئولان دیگری که به امر مسکن، توجه خوبی کردند. اما کافی نیست و باید توجه بیشتری شود. بخصوص در مناطق روستایی شهر ما که فاصله‌ای با شهر ندارند و لذا باید تلاش شود تا فاصله‌ی زیادی در باب مسکن و خیابان و سایر امکانات، وجود نداشته باشد. به حمدلله قدم‌های خوبی در زمینه‌ی آب و برق و گاز برداشته شده است. جهت‌گیری مسئولان و بنیاد مسکن باید این باشد که فاصله‌ی بین روستا‌ها و شهر را کم کنند. مطلب دیگر این است که باید تأکید کنیم بر تأمین زیرساخت‌های اولیه‌ِی مسکن ساده برای جوان‌ها. این را هم باید بنیاد مسکن هم در شهر و هم در روستاها باید توجه کنند. در برنامه‌ریزی‌های دولت باید تلاش شود که مسکن حداقل و زمین مناسب حداقلی برای جوانان فراهم شود. قدم‌های خوبی در این زمینه برداشته شده است. علاوه بر این، محکم‌سازی و مقاوم‌سازی مسکن به جای پرداختن به برخی از تشریفات، توجه به مقاوم‌سازی مسکن‌ها در برابر حوادث، نکته‌ی دیگری است که باید مسئولان باید به آن توجه کنند.

## فرهنگ عمومی و رعایت قوانین

من در پایان عرائض خود باز لازم می‌دانم که توصیه کنم به مسئولان و مردم و دانشجویان و به همه‌ی کسانی که در این شهر حضور دارند به رعایت مسائل اخلاقی و فرهنگی و نکاتی که برای سلامت جامعه‌ی ما لازم است. به حمدالله قدم‌هایی برداشته شده که جای تقدیر است؛ اما در شهر باید فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و فرهنگ مواجهه‌ی درست با مفاسد و خلاف‌هایی که بنیاد اخلاق را از بین می‌برد؛ بنیان خانواده را از بین می‌برد؛ معنویت و اخلاق را ضایع کند و باعث نغمت می‌شود باید به این‌ها توجه کنیم و وضعی که وجود دارد. در خود شهر هم مسئولان و مردم باید تلاش کنند و توجیه درستی به عمل بیاید تا فرهنگ معنوی و اخلاقی مورد رعایت بیشتر قرار بگیرد. همان‌طور که من رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی را تذکر کردم، باز متأسفانه شاهد تصادفات هستیم که دست‌ها و پاها شکسته می‌شود و افرادی از بین می‌روند. نیروی انتظامی وظیفه دارد که به این امور بپردازد. مسئولان دیگر وظیفه دارند که به خیابان‌ها و شهر برسند تا کمتر به این آسیب‌ها دچار شویم؛ اما همه‌ی این امور، جانبی است اصل این است که در مدارس و دانشگاه‌ها و کارگاه‌های ما و در نسل جوان و خانواده‌های ما، فرهنگ رعایت قانون مقررات هم ضوابط فرهنگی و اخلاقی و هم ضوابط شهری موردتوجه قرار بگیرد. واقعاً فرهنگ حفظ قوانین و مقررات، چیزی است که در میان ما ضعیف است. گاهی هم می‌گویند: که خلاف صورت می‌گیرد که شما توصیه کنید که ملاحظه کنند. توصیه هم می‌کنیم اما حقیقت مسئله این است که فرهنگ جامعه باید این طور باشد که خود مردم پیش‌قدم باشند که فرزندان را درست تربیت کنند هم به لحاظ رفتارهای اخلاقی و هم به لحاظ ضوابط و قوانین شهری. پدر و مادر و معلمان، فرهنگ جامعه به این سمت باشد که از زیر پا گذاشتن قوانین، شرمنده باشند. نه این‌که با کمال جسارت، قوانین را زیر پا می‌گذارد و بعد توقع هم دارند که ملاحظه هم شود. آن را عرض کردم که ملاحظه بشود و چیز بدی نیست؛ اما چیزی که در نهایت به سود همه‌ی ماست، این است که قوانین و مقررات در همه‌ی جوانب رعایت کنیم. خصوصاً در مسائل اخلاقی و فرهنگی که برخی رفتارها اشک مؤمنین را درمی‌آورد. ما مدیون خون شهیدان هستیم که گاهی آن‌ها را زیر پا می‌گذاریم. این بازور درست نمی‌شود آن‌هم در جای خود لازم است. اصل این است که از دل برخیزد. فرهنگ درست در خانه و مدارس و دانشگاه باید درست شود. امیدواریم که همه، به این امور توجه بیشتری داشته باشیم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**( بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)[[26]](#footnote-26)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی تین، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی یونس، آیه‌ی 67. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی شمس، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی لیل، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی ضحی، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی تکویر، آیه‌ی 17. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی لیل، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی انعام، آیه‌ی 96. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی فجر، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی تکویر، آیه‌ی 18. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ی ضحی، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی شمس، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی عصر، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی 16. [↑](#footnote-ref-17)
18. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ی انعام، آیه‌ی 95. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره‌ی فلق، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره‌ی انعام، آیه‌ی 95. [↑](#footnote-ref-21)
22. . سوره‌ی انعام، آیه‌ی 95. [↑](#footnote-ref-22)
23. . سوره‌ی انعام، آیه‌ی 96. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-24)
25. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-25)
26. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-26)